

«عدالت» در دادگستری تهران

داست و آنان را تبرئه کرد. همین امر واکنش های متفاوتی به همراه داشت. از جمله ۱۵۹ نماینده مجلس در اعتراض به این اقدام بیانیه بی صادر کردند. در کنار همین خبرها جالب توجه بود که روزنامه نوروز، ۲۴ تیر، در گزارش ستون حوادث خود، با اشاره به دستگیری یک متهم به قتل بعد از چهار سال در مورد محکومیت به اعدام او می نویسد: «روز گذشته با حضور پنجاه نفر از آشنایان و اقوام مقتول که اکثر آنها روز حادثه شاهد ماجرا نبودند، حکم قسامه اجرا شد و بعد از اجرای حکم توسط پنجاه نفر مذکور، قاضی حکم اعدام متهم به قتل را صادر کرد.» همین روزنامه در تاریخ دوشنبه، ۲۵ تیر می نویسد: «علیزاده طباطبائی عضو شورای شهر تهران که شاهد صحنه کتک زدن عبدالله نوری وزیر کشور وقت و مهاجرانی وزیر ارشاد وقت در نماز جمعه بود به ۴ ماه حبس قطعی محکوم شد. شاکتی وی نقدی بود که علیه علیزاده به دلیل اظهاراتش در مورد حضور نقدی در صحنه درگیری مزبور. به دادگاه شکایت کرد.»

قوه قضاییه رژیم در جایی افرادی را که اصلا در محل وقوع جرم شرکت نداشته اند به دادگاه می برد و بر اساس قسم های آنان یک نفر را محکوم به اعدام می کند، در جایی دیگر شخصی را که شاهد عینی ماجرا بوده به جرم شهادت واقعی به چهار ماه حبس محکوم می کند و قس علیهذا. اگر ۵۰ میلیون ایرانی قسم نامه می بخورند و زیر آن را هم امضاء کنند و بگویند فلاحیان یکی از گردانندگان اصلی کشتار دگراندیشان بوده است، باز دگراندیشان و افشا کنندگان این جنایت اند که باید تاوان این افشاگری ها را با به زندان رفتن، شکنجه و آزار پس بدهند. صرف نظر از تمامی موارد ذکر شده نکته مهم دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد حکم محکومیت اکبر گنجی به ۶ ماه زندان بود که توسط یکی از قضات رژیم ولایت فقیه صادر گردید. بسیاری بر این باور بودند که این یک نوع عقب نشینی در درون این قوه است. درگیری های اخیر بر سر پرونده گنجی نشان داد که تعمیق جنبش مردمی باعث شده کم کم ترک هایی در دیوار ضخیم قوه قضاییه پدید آید که کار را برای اشخاصی چون علیزاده ها سخت تر می کند. کسانی که در قوه قضاییه مشغول به کارند با گسترش اعتراضات مردمی بر ضد عملکردهای این قوه در هراس از موقعیت اجتماعی خود مجبورند «دست به عصا» تر از گذشته به اقدامات خود ادامه دهند. دیر نیست روزی که توده ها، ویرانه تحت کنترل شاهرودی و همفکرانش را به کلی نابود کنند و راه را برای پایه ریزی یک قوه قضاییه مردمی بکشایند.

نگرانی از بی آبرویی «علمای» تاریخ اندیش

روزنامه «رسالت»، یکشنبه ۲۴ تیر، مقاله ای به قلم محمد جواد لاریجانی، با عنوان «جایگاه عالم در نظام اسلامی» را به چاپ رساند که قابل تأمل است. نویسنده می نویسد: «در چند سال اخیر منش خاصی در برخورد با اظهارات عالمان دین از طرف جناح های سیاسی کشور رایج شده که در نظر من بسیار مهم است و باید مورد ارزیابی قرار گیرد.» وی در ادامه با اشاره به حملاتی که به مصباح یزدی و اخیراً جنتی بر سر موضوع نفت در گرفته، اظهار می دارد: «اگر این راه درست باشد و ادامه پیدا کند باید مطمئن باشیم که دیر یا زود شاهد ظهور دو پدیده مهم خواهیم بود. اول این که عالمان علاقمند به ورود در مباحث روز، باید خود را ابتدا در میان جناح های سیاسی

هفته گذشته دادگستری تهران در یک محاکمه فرمایشی، اکبر گنجی را دوباره به ۶ سال زندان محکوم کرد. محکومیت اکبر گنجی در دادگاه تجدید نظر قبلا به شش ماه تقلیل یافته بود ولی روابط عمومی دادگستری با صدور اعلامیه بی در مورد محکومیت دوباره اکبر گنجی حکم قبلی را نادرست دانست و اعلام کرد که «اشتباهی» در صدور رای رخ داده بود. علی بخشی، قاضی پرونده که گنجی را به ۶ ماه حبس محکوم کرده بود، در دفاع از این حکم گفت: «نمی پذیرد که اشتباهی از سوی او در بررسی پرونده گنجی رخ داده است.» (نوروز، ۲۶ تیر) وی همچنین گفت که علیزاده رئیس دادگستری تهران از او خواسته بود که اشتباه را بپذیرد ولی او قبول نکرده بود و به همین دلیل پرونده به هیات ویژه بی ارجاع گردید. در همین حال قوه قضاییه رژیم ولایت فقیه در یک حرکت دیگر مزدوران چماق دار خود را (لباس شخصی های یورش برنده به کوی دانشگاه ها و دیگر تجمعات دانشجویی) از تمام اتهامات میرا



ضمیمه ۶۱۳، دوره هشتم
سال هجدهم، ۲ مرداد ۱۳۸۰

جنبش طبقه کارگر ایران و درگیری های جناحی

بگیریم و البته حرکت های غیر قانونی را نیز تبیح می کنیم اما پرسش این است که اگر به جای «دیروز» کلمه «۱۸ تیر» را بگذاریم و نیز اگر به جای کارگران «دانشجویان کوی دانشگاه» را بنشانیم و به جای «نرده های مجلس»، «نرده های کوی» را بگذاریم و نیز جای «اعتراض به نگرفتن حقوق»، «اعتراض به بسته شدن روزنامه سلام و تهدید آزادی بیان» بگذاریم، سئوال این است که چنانچه روزنامه بی به شیوه این روزنامه عصر همدلان به دانشجویان قضیه شب ۱۸ تیر کوی دانشگاه را تشریح کند، چه برخوردی را باید انتظار بکشد؟

مدیر مسئول روزنامه رسالت، مرتضی نبوی گفت: «وضع به جایی رسیده که کارگران شرکت شادان پور و کارگران شرکت جامکو که صادر کننده پوشاک بود می گویند که ۱۱ ماه حقوق نگرفته اند. در جلوی مجلس تجمع می کنند و نمایندگان توجه نمی کنند و کارگران هم نرده های مجلس را از جا می کنند. آقای هاشمی که سر کار آمد علی رغم انتقادات زیادی که داشتیم ولی بالاخره تمام کارخانه های تعطیل را به راه انداخت.» (ایسنا، ۲۵ تیر) کیهان، ۲۷ تیر به نقل از شاهرخی، نماینده مجلس نوشت: «چرا نشریات دوم خردادی فریاد استیصال و صدای درماندگی صدها کارگر که در مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند را منعکس نکردند. همه مشکلات مملکت که زندانیان سیاسی مختلف و قانون مطوعات نیست.» لازم به یادآوری است که شاهرخی یکی از عاملان اصلی ضرب و شتم دانشجویان در لرستان بود. کانون عالی شوراهای اسلامی کار در اعلامیه بی نوشت: «آنچه که این روزها در برخی از کارخانجات بحران زده شاهد هستیم، فرآیند عملکرد نامناسب مالکین، مدیران و سیاست گذاران خرد و کلان اقتصادی است.» (ایسنا، ۲۶ تیر) ادب نماینده سندخ در

هفته گذشته اعتراض کارگران کارخانه های جامکو و کفش شادان پور از موضوع های مهم مورد بحث محافل سیاسی کشور بود. بدیهی است که همه نیروهای مترقی و آزادی خواه ضمن محکوم کردن ضرب و شتم کارگران زحمتکش و دستگیری تعدادی از آنان به همستگی خود با جنبش کارگری، برای دست یابی به خواست های برجسته همچنان ادامه خواهند داد. اما مسأله دیگری که ضروری است مورد بررسی قرار گیرد بحث چگونگی برخورد با مسایل کارگران در اوضاع حساس و بغرنج کنونی است. حساسیت این موضوع و گسترش جنبش اعتراضی کارگران فعالان سیاسی حکومتی را ناچار به واکنش در این باره کرد. در این زمینه همچنین توجه به موضوع گیری «ذوب شدگان در ولایت» در برخورد کاسب کارانه با مسایل و خواست های جنبش اعتراضی کارگری نیز ضروری است. روزنامه رسالت، یک روز پس از این تجمع اعتراضی، در روز دوشنبه ۲۵ تیر با عنوان درشت نوشت: «تجمع کارگران در مقابل مجلس - شاهرخی: مسئولان غافلند». روزنامه کیهان، سرمقاله روز دوشنبه خود را نیز به همین امر اختصاص داد و در روز های سه شنبه و چهارشنبه به طرح مشکلات کارگران پرداخت. از طرف دیگر فعالان سیاسی جناح حکومتی طرفدار اصلاحات در برابر این موضع گیری ها واکنش هایی را از خود نشان دادند. شکوری راد گفت: «کارگران، مقابل مجلس را محل مناسبی برای تجمع و اعتراضات خود می دانند در حالی که مجلس نمی تواند مشکل آنان را حل نماید.» روزنامه نوروز، ۲۵ تیر، در مقاله بی با اشاره به «همدلی» روزنامه کیهان با کارگران و تشبیه آن به حوادث کوی دانشگاه تهران می نویسد: «بدون اینکه بخواهیم حق اعتراض کارگران را نادیده

ادامه در صفحه ۲

ادامه در صفحه ۲

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»

ادامه جنبش طبقه کارگر و درگیری های جناحی...

مجلس ضمن حمایت از تغییر قانون کار فعلی گفت: «سیاست های خصوصی سازی درست تعریف نشده اند و کارخانجات دولتی با یک نگرش کاسب کارانه فقط در قبال پول، بدون سنجش این که خریدار، فرهنگ تولید و مدیریت تولید دارد یا خیر به خریدار واگذار شده است.» (ایسنا، ۲۶ تیر) وی در جایی دیگر در مورد عملکرد مجلس اظهار داشت: «مجلس به علت بدعتی که از دوره های قبل در آن گذاشته شده به مسایل کلان جامعه نمی پردازد. نمایندگان مجلس به روزمرگی افتاده اند و کارشان تبدیل به نامه نگاری برای حل مشکلات فردی شده است.» رئیس هیات مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی کار استان تهران گفت: «شاید دست هایی در کار باشد که می خواهد با تعطیلی کارخانه ها موج گسترده کارگران اخراجی را برانگیزد. زیرا کارگرانی که اخیراً به علت انحلال کارخانجات بیکار شده و حقوق معوقه شان را نیز دریافت نکرده اند، دچار از هم پاشیدگی خانواده و نیز سوء تغذیه فرزندانشان هستند. بنابراین در زندگی به بن بست رسیده اند.» (ایسنا، ۲۴ تیر) جلودارزاده در مصاحبه ای اظهار داشت: «اگر جلوی قاچاق پارچه و لوازم خانگی خارجی گرفته می شد، صنعت نساجی و صنایع لوازم خانگی با ورشکستگی مواجه نمی شدند.» (ایسنا، ۲۴ تیر) وی در جایی دیگر افزود: «ما نمایندگان از کارگران می خواهیم که با خوب شدن داری شرایط کشور را در آستانه انتخاب کابینه درک کنند تا مسئولان در حل مشکلات سرعت بیشتری به خرج دهند.» قهرمان بهرامی با اشاره به قراردادهای موقت که کارگران را در آستانه نابودی قرار داده گفت: «مسئولان کشور توجه جدی به مشکل کارگران ندارند و این کارگران کسی را برای حمایت و پشتیبانی ندارند و بدون پشتوانه با کارفرمایی مواجه هستند که اصلاً به فکر آنها نیست و در نتیجه مجبور به اعتصاب در مقابل مجلس و اعتراضات این چنینی می شوند.» (ایسنا، ۲۴ تیر)

و اما در برابر این اظهار نظرها، نوشته ها و عکس العمل ها نسبت به وضعیت کارگری چه موضعی باید اتخاذ کرد؟ اول آنکه وضعیت جامعه کارگری، خصوصاً فشار اقتصادی بر هزاران کارگری که ماه هاست حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده اند و با توجه به گرانی و بیکاری باید زندگی خود را بچرخاند بسیار بحرانی است. دوم آنکه سیاست های اقتصادی اعمال شده، از دوران حکومت رفسنجانی و آغاز سیاست فاجعه بار «تعديل اقتصادی» تا به امروز که همین سیاست ها ادامه یافته است، علت اصلی تمامی این مصائب بوده است. سوم آنکه مشکلات کارگری با بی توجهی جدی حکومتیان رویه رو بوده است و چهارم اینکه جریان معلوم الحال و مترجمی که خود اساسی ترین نقش را در پدید آوردن این وضعیت فاجعه بار بر عهده داشته است امروز زمینه را به دلیل عملکرد نادرست و ضعیف دولت خاتمی، برای بهره برداری از این معضل مساعد می بیند. اینکه مرتجعان حاکم سعی دارند از این اوضاع به نفع منافع ضد مردمی خود بهره برداری جناحی بکنند هیچ شکی نیست اما نمی شود از کارگری که بعضاً نزدیک به بیش از یکسال حقوقی نگرفته و با فقر دست و پنجه نرم می کند خواست تا نسبت به این مسأله مهر سکوت بر لب بزند. پس از انتخابات دوم خرداد ۷۶ تاکنون مردم به مدد حضور خویش به بسیاری از حقایق پست پرده رژیم پی بردند، وزارت اطلاعات رژیم رسوا شد، عالیجنابان خاکستری و سرخپوش افشا شدند، ستون خیمه نظام با شکست های افتضاح آمیزی مواجه گردید، واقعه کوی دانشگاه اوج ددمنشی مرتجعان حاکم را به مردم نشان داد و مردم با حضور پر معنای خود در انتخابات ۱۸ خرداد ۱۳۸۰ خواست خود را برای ادامه روند اصلاحات اعلام کردند. در چهار سال گذشته بر رغم قول های داده شده در زمینه برطرف کردن مشکلات معیشتی محرومان و خصوصاً کارگران و زحمتکشان هیچ حرکت جدی صورت نگرفته است و این مسأله از جمله زمینه های اساسی مشکلاتی است که کارگران میهن ما به حق نسبت به ادامه آن اعتراض دارند. تنها با نصیحت و موعظه و فراخواندن کارگران به تحمل طاقت فرسای اقتصادی و اجتماعی تحمیل شده به آنان نمی توان مسایل را حل و فصل کرد. بی توجهی به حقوق کارگران به هیچ وجه قابل توجه نیست. نمی توان به منافع طبقاتی کارگران و زحمتکشان که زیر بنای اصلی هر پیشرفت سیاسی و اقتصادی هستند بی توجه بود و در عین حال مدعی برقراری عدالت در جامعه بود. پس از چهار سال انتظار کشیدن و امید داشتن به روند اصلاحات کارگران و زحمتکشان میهن ما به حق خواهان تغییرات به سمت بهبود وضعیت طاقت فرسای معیشتی خود هستند. این تغییرات بدون تغییر در سمت گیری سیاست های اقتصادی و اجتماعی کنونی ممکن نیست. مسأله اساسی دیگری که جنبش طبقه کارگر و زحمتکشان باید مد نظر داشته باشد، حرکت به سمت ایجاد نهادهای و تشکل های مستقل کارگری، خصوصاً سندیکاها و اتحادیه های کارگری و حضور فعال در مبارزات سیاسی جامعه ماست. تجربه تاریخی نشان داده است که طبقه کارگر نمی تواند تنها با اتکاء به مبارزات صنفی به خواست های خود دست یابد. مبارزه طبقه کارگر ایران هنگامی می تواند تأثیرات قطعی و سرنوشت ساز بر تحولات میهن ما داشته باشد که بتواند در پیوند با جنبش عمومی خلق در راه برطرف کردن ریشه اساسی معضلات کنونی، یعنی رژیم «ولایت فقیه» مبارزه سازمان یافته بی را به پیش ببرد. هخته های اخیر و حرکت های مشترک کارگری، در کنار همبستگی گسترش یافته میان کارگران واحد های تولیدی گوناگون و بحث های جدی در محافل کارگری درباره ایجاد تشکل های مستقل نشان های مثبت و مهمی در زمینه تحولات مهم در جنبش کارگری میهن ماست که باید با دقت و حوصله به تحقق و ارتقاء آن کمک کرد.

ادامه نگرانی از بی آرومی «علمای»...

جایابی کنند و سپس همواره در چارچوب مصالح جناحی نظر دهند تا حداقل پایگاهی داشته باشند. دوم، عده ای از علما هم ترجیح بدهند که لب فرو بندند و خود را به مسایل دورتر و با فاصله از وضعیت روز مشغول کنند. به نظر من هر دو این نتایج بسیار خطرناک است.» وی در ادامه آورده است: «نقطه کلیدی، جایگاه «علماء» در نظام اسلامی است. عالمان از جهت «اطاعت» تشخص ندارند زیرا اطاعت، اقتضای طبع حاکمان است و هنگامی که حاکم مشروع بود حق اوست که در حوزه نفوذ خود اطاعت شود. بلکه شان عالم، شان بیان حقیقت و راه درست است و انتظار عالمان هم از مردم این نیست که از آنان اطاعت نمایند بلکه انتظار آن است که سخنانشان مورد توجه قرار گیرد... اگر مبنای فوق مورد قبول باشد، اولین نتیجه آن خواهد بود که انتظار ما از عالمان نباید مصلحت اندیشی جناحی باشد، بلکه باید از آنان بخواهیم که حق را بگویند و از هیچ چیزی در این زمینه ابا نداشته باشند.»

این افاضت لاریجانی در حالی اظهار می شود که هفته گذشته بیش از ۵۵۰ نفر از روحانیون و شاگردان آیت الله منتظری در نامه یی به «مراجع تقلید» نسبت به وضعیت جسمانی و سلامتی آقای منتظری ابراز نگرانی کرده و خواهان «اقدام فوری برای رفع حصر ایشان شدند.» البته آیت الله منتظری تنها روحانی در جمهوری اسلامی نیست که این چنین وحشیانه مورد فشار و اذیت و آزار قرار گرفته، روحانیون و اندیشمندان دیگر همچون او که مصلحت جناحی را جایز ندانستند و به بیان حقایق برای مردم همت گذارند نیز به همین سرنوشت دچار شدند. در «نظام نمونه اسلامی ولایت فقیه» بیش از هر دوره یی دیگر از تاریخ ایران روحانیون اندیشمندان و حقیقت گو به زندان افکنده شدند، به حبس خانگی محبوس شدند و مورد انواع و اقسام فشارهای روحی قرار گرفتند. برای اولین بار در تاریخ ایران به وسیله «نظام اسلامی ولایت فقیه» دادگاه ویژه یی برای تفتیش عقاید روحانیون دگر اندیش برپا شد و در آن کدیورها و نوری ها به زندان افکنده شدند و اشکوری ها مرتد و به اعدام محکوم شدند. نگرانی محمد جواد لاریجانی نه از بابت تعرض به چنین اشخاصی که درست بر عکس آن است. او در جایی دیگر به روشنی می نویسد: «نتیجه مهم دیگر این است که جناح های سیاسی نباید انتظار داشته باشند که عالمان به مصلحت سیاسی آنان سخن بگویند. چه کسی گفته که آقای مهدوی کنی، حتی، آقای مصباح یزدی، آقای جوادی آملی و دیگران در جایگاه سازمانی در اردوگاه جناح راست هستند و لذا سخن آنان نباید برای جناح پرخرج باشد؟» از نظر لاریجانی و همفکرانش، تاریخ اندیشان و مرتجعانی همچون مصباح یزدی و جنتی و مهدوی کنی «عالمان اسلامی» و دیگرانی همچون آیت الله منتظری، نوری، کدیور و... «ساده لوح، غرب زده، تجدید نظر کرده، منافق، مرتد و...» هستند. تعمیق جنبش مردمی آنچنان وضعیتی به وجود آورده است که ذوب شدگان در ولایت هراسناک از عاقبت کار و نابودی تاریخی مترصدند تا جلوی افشگری درباره چهره های مرتجع رژیم «ولایت فقیه» را زیر لوای دلسوزی برای «علما» سد کنند.

24 July 2001

آدرس ها:

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>
4. E-mail: mardom@tudehpartyiran.org

Supplement to Nameh Mardom-NO 613
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۰-۴۹-۳۰-۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام
IRAN e.V.
شماره حساب
790020580
کد بانک
10050000
بانک
Berliner Sparkasse